



تغلیظ دیر در ماههای حرام و مشکلات محاکم، نسبت به موضوع دیات (اعضاء و منافع)

خلاصه سخنرانی حجت الاسلام والمسلمین
دکتر مهدی هادی در نشست فقه پژوهی دیه در تهران

علی بدیعی
(پژوهشگر)

■
 اگر کسی صرفاً به
 زیبایی کسی آسیب
 رسانید و آسیب آن
 زیبایی هم فاحش بود،
 آیا این امر موجب
 می‌شود که مستقلاً
 برایش دیه یا ارش
 تعیین کنیم؟
 لازمه‌اش این است که
 خود جمال را به عنوان
 یک منفعت بدانیم.
 ولی این که منفعت
 هست یا نیست،
 مبنایش چیست؟
 از کجا باید تشخیص
 بدهیم؟
 ■

قرآن و تغلیظ دیه

آیه ۳۶ سوره توبه می‌فرماید: «أَنَّ عِدَّةَ الشُّهُورِ عِنْدَ اللَّهِ اثْنَا عَشَرَ شَهْرًا فِي كِتَابِ اللَّهِ يَوْمَ خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ أَعْتَدَ اللَّهُ لِكُلِّ شَيْءٍ عِقَابًا يُسْتَعْتَبُ وَهُوَ الَّذِي خَلَقَ لَكُمْ أَنْفُسَكُمْ وَأَعْيُنَكُمْ وَمَنْ مَخْرَجَاتِهَا وَمَنْ مَوَاقِدِهَا لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ» [یعنی از همان زمان، خدا در قرآن می‌فرماید من چهار ماه را به عنوان ماه حرام، مشخص کردم. در این آیه یک اثر برای ماه حرم ذکر شده که می‌فرماید: «فَلَا تَطْلُبُوا فِيهِنَّ أَنْفُسَكُمْ»؛ جدای از آیات دیگر که بحث قتال را در ماه حرام، مطرح کرده و فرموده مرتکب قتل نشوید، ولی اینجا می‌فرماید در این چهار ماه به خودتان ظلم نکنید. آیا می‌توانیم از این قسمت آیه استفاده کنیم که تبعاتی که در سنت برای ماه‌های حرام وارد شده یعنی بحث تغلیظ دیه، نسبت به قتل غیرعمد هم جاری هست یا نه؟ قتل عمد را می‌گویند قتل است و خود این حرمت ماه‌های حرام، یک اثری را شارع برایش می‌گذارد که اگر کسی مرتکب قتل شد، دیه‌اش تغلیظ بشود، ولی اگر کسی مرتکب قتل غیرعمد یا خطایی شد، آیا می‌توانیم قاتل بشویم که اینجا دیه تغلیظ بشود؟ عقیده من که صرفاً به عنوان تئوری دارم ارائه می‌کنم و سابقه‌ای از آن ندیده‌ام، این است که دیه شامل قتل عمد و شبه عمد بشود و نه قتل خطایی؛ مستند من همین عبارت: «فَلَا تَطْلُبُوا فِيهِنَّ أَنْفُسَكُمْ» است. چون خدا می‌فرماید در این ماه به خودتان ظلم نکنید. آیا می‌توانیم آیه‌ای در قرآن پیدا کنیم که ظلم به خود که منع شده، قتل غیرعمد، ظلم به خود باشد.

معرفی:

دکتر مهدی هادی (قاضی دادگستری) معاون اداره کل تدوین لوایح و مقررات قوه قضائیه، کارشناس ارشد حقوق بین الملل، دکترای حقوق خصوصی، مدرس دانشگاه علوم قضایی و دانشگاه شهید بهشتی. عضو کمیسیون اداره حقوقی قوه قضائیه و عضو کمیته یو پی آر ایران نماینده ایران در اجلاس سازمان حقوق بین الملل خصوصی لاهه در پروژه اجرای احکام دادگاه‌های خارجی و...



روایات و تغلیظ دیه

مستند اصلی بحث تغلیظ دیه، روایت کَلِیبِ اسدی است. نسبت به خود کَلِیبِ اسدی، برخی در توثیقش اشکال کرده‌اند. مثلاً آیت‌الله خوئی در جاهای مختلف و البته شاید پنج شش جا ایشان را ضعیف می‌شمارد ولی یکی دو جا هم به نحوی توثیقش می‌کند. اگر این روایت درست باشد که از نظر من سندش صحیح است، چون هم طریق اسناد شیخ طوسی و هم در تهذیب نسبت به ایشان درست است، روایت دارد: «علی بن ابراهیم عن محمد بن عیسی عن یونس» تا اینجا درست است؛ در این روایت «یقتل فی الشهر الحرام»؛ دقیقاً واژه شهر حرام ذکر شده است. مشهور فقها می‌فرمایند واژه «قتل» یا «یقتل» آمده، اطلاقش شامل همه قتل‌ها می‌شود. البته صاحب جواهر اشکال می‌کند و می‌فرماید این ظهور ندارد بلکه چون از واژه قتل استفاده شده، ظهور در قصد قتل دارد؛ یعنی کسی که قصد قتل داشته باشد؛ در حالی که در قتل غیرعمد، قصدی وجود ندارد، به نظر من خود این ظهورگیری هم درست نیست. قسمتی که صراحتاً به قتل خطائی اشاره شده، روایت علی بن رئاب است که روایت صحیحی است اما چون آنجا گفته: «صوم شهرین». مطلبی که اشاره کردند از امام علیه السلام سؤال می‌کند که اگر صوم شهرین باشد وسطش عید هم هست، اتفاقاً دو سه جا امام علیه السلام تأکید دارد: «فإنه حق لزمه أو یلزمه» می‌گوید اشکال ندارد عید را هم روزه بگیرد چون این، حقی است که بر او لازم شده و برخی هم بر اساس همین روایت، فتوا داده‌اند.

مشکلات محاکم در بحث دیه اعضا و منافع

یکی از مشکلاتی که در محاکم، وجود دارد بحث دیه اعضا و منافع است. هیچ تعریفی نه در قانون و نه تا آنجایی که ما بررسی کرده‌ایم، در فقه از عضو و منفعت نیست. یعنی مجموع کتاب‌هایی که بررسی کردیم چه از کتاب‌های خودمان و چه کتاب‌های اهل سنت، تعریف از این که عضو چیست و منافع چیست، وجود ندارد.

سؤالی از سازمان نظام پزشکی به اداره حقوقی آمده بود که سؤال مفصلی هم بود مبنی بر این که آیا در نقص جمال یعنی زیبایی، اگر کسی به زیبایی شخصی آسیب برساند، دیه مقدّر دارد یا ارزش؟ و می‌توان اصلاً برایش ارزشی تعیین کرد یا نه؟ در مورد این که آیا جمال، منفعت محسوب می‌شود یا نه؟ این یک بحث و چالش است که به نظر می‌رسد فقه باید قویاً روی این وارد بشود.

یکی از مشکلاتی که در محاکم، وجود دارد بحث دیه اعضا و منافع است. هیچ تعریفی نه در قانون و نه تا آنجایی که ما بررسی کرده‌ایم، در فقه از عضو و منفعت نیست. یعنی مجموع کتاب‌هایی که بررسی کردیم چه از کتاب‌های خودمان و چه کتاب‌های اهل سنت، تعریف از این که عضو چیست و منافع چیست، وجود ندارد.

الف) تعریف اعضاء:

این رشد در «بداية المجتهد» می‌گوید علما و ائمه فتوا تعریفی از عضو ارائه نداده‌اند بلکه معیار را زوج و فرد بودن اعضا ذکر کرده‌اند. یکی بحث اعضای داخلی است. در سال ۹۴ رأی وحدت رویه در مورد برداشتن طحال صادر شد. برخی از محاکم رأی می‌دادند که به طحال باید دیه کامل داده بشود چون یک عضو فرد - در مقابل زوج - در بدن است و برخی می‌گفتند باید ارش داده بشود. این آرای متنافر که صادر شد، منجر به رأی وحدت رویه گردید و در آنجا هم بحث‌های زیادی صورت گرفت، برخی قائلند اگر تک‌عضوی از اعضای بیرون باشد، دیه دارد و برخی می‌گفتند اجزای داخلی ولی از اعضای رئیسه باشد، و برخی هم نظر فقهایی که مطلق می‌دانند و هر تک‌عضوی را مشمول دیه کامله می‌شمارند را مطرح می‌کردند. در نهایت، نظر هیأت عالی دیوان بر این شد که بر اساس فتوایی که مقام معظم رهبری صادر کردند، عمل شود؛ ایشان گفتند ظاهراً در مورد طحال باید ارش داده بشود هر چند که مصالحه، بهتر است.

ب) تعریف منافع:

بحث بعدی، تعریف منافع است که مشکلش به مراتب بیشتر است. در دیات وقتی کتاب قانون مجازات را نگاه کنید از دیه منافع که صحبت می‌کند، هیچ تعریفی از منفعت یا منافع نمی‌شود و مصادیقی که ذکر می‌کند، منفعت عقل، منفعت شنوایی و بویایی و امثال اینها است ولی تعریفی از منفعت نمی‌بینید.

سؤال از سازمان نظام پزشکی به اداره حقوقی آمده بود که سؤال مفصلی هم بود مبنی بر این که آیا در نقص جمال یعنی زیبایی، اگر کسی به زیبایی شخصی آسیب برساند، دیه مقدر دارد یا ارش؟ و می‌توان اصلاً برایش ارشی تعیین کرد یا نه؟ در مورد این که آیا جمال، منفعت

محسوب می‌شود یا نه؟ این یک بحث و چالش است که به نظر می‌رسد فقه باید قویاً روی این وارد بشود. ما در بحث منافع که نگاه می‌کنیم، قانون مجازات، ماده ۷۰۸ که در مورد سایر منافع بحث می‌کند، گفته: از بین بردن یا نقص دائم یا موقت حواس یا منافع دیگر؛ شش تا منفعت هم ذکر کرده: عقل و سایر منافع. بعد گفته سایر منافع مانند لامسه، خواب، عادت ماهانه و نیز به وجود آوردن امراضی مانند لرزش، تشنگی، گرسنگی، ترس و غش، موجب ارش است. بنابر این که ذکر این منافع حصری نیستند بلکه تمثیلی هستند، آیا خود زیبایی، منفعت محسوب می‌شود یا نه؟ ما هر چه در فقه شیعه و اهل سنت گشتیم که تعریفی از منفعت پیدا بکنیم و بدانیم منفعت بدن انسان چیست، به اینجا رسیدیم که دو سه روایتی که بحث از منافع و جمال را ذکر می‌کند، جمال دقیقاً مستور و خوابیده در خود اعضا هستند. در کتب اهل سنت شاید ده‌ها و صدها مورد که بحث جمال را مطرح می‌کنند، می‌گویند شارع که برای اعضا دیه مقدر کرد، مبنای وجود دیه خود جمال است، وقتی از زبان، صحبت می‌کند می‌گوید جمال هست، وقتی از محاسن صحبت می‌کند که چرا دیه دارد، به خاطر این که جمال است. روایتی هم از پیامبر در این مورد ذکر می‌شود. مثال مو برای زنان که جمال است و دیه هم دارد. بنابراین اگر جمال، مبنای دیه هست، اگر کسی صرفاً به زیبایی کسی آسیب رسانید و آسیب آن زیبایی هم فاحش بود، آیا این امر موجب می‌شود که مستقلاً برایش دیه یا ارش تعیین کنیم؟ لازم‌اش این است که خود جمال را به عنوان یک منفعت بدانیم. ولی این که منفعت هست یا نیست، مبنایش چیست؟ از کجا باید تشخیص بدهیم؟ بعضی از استفتائاتی هم که هست، برخی فقهای بزرگوار به طور مطلق پذیرفته‌اند و برخی کلاً رد کرده‌اند و برخی گفته‌اند اگر نقص فاحش باشد مستقلاً دیه دارد. ولی لازم‌اش این است که ما تعریف دقیقی از منافع بدن و اعضای بدن داشته باشیم چه در بررسی پزشکی و چه بررسی فقهی که معین بشود عضو چیست و منفعت هم مشخص بشود.